

برخی اصولیون

مبارای حکم / ملاک / اراده
مورد حکم — اعتبار

۱. درستی ملاک و اراده را مقدمه برای اعتبار دانسته اند

۱۱. مستطیر (ره) : روح حکم آبخانه ای که بار اهلن را به امثال می کند

۱۲. ملاک و اراده قهوی است خواه اعتبار باشد خواه نباشد

۱۳. مبارای هر حکمی با طبیعت حکم سازگار است :

مبارای وجوب و حرمت : آباد دارند از ترخیص

۱۶. مبارای استحباب و کراهت و اجتناب : آباد دارند از ترخیص

۱۸. آبادی — به معنی الا حق : پنجین نوع از اجزاء است

(انجام دتر عقل مساوی)

۲۰. به معنی الا حق : کراهت — استحباب — آبادی به معنی الا حق

بت یعنی عدوی دین و دلمات خداوند اول و دوم نگذار

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

اسم دیگر کن ترخیص در مقابل وجوب و حرمت

۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰ ۱۳۰۰

مباری وجوب : مصلحت منظمه و به تبع آن اراده سکره

مباری حرمت : معصوم های منظمه و ~ معصومست سحره

۸

۹

مباری استصحاب : مصلحت غیر منظمه و به تبع اراده ضعیف

۱۰

۱۱

مباری کراهت : معصومست غیر منظمه و ~ آن ~~مصلحت~~ معصومست ضعیف

۱۲

۱۳

مباری اجاب : تساوی مصلحت و معصوم و به تبع آن عدم معصومست و اراده

۱۴

۱۵

اجاب به هر دو قسمت

۱۶

مکملی که مقتضی آزاد کردن مملک است

مستاد

۱۷ اعتقادی : ملاک در جعل آن مصلحت بودن ترخیص است

۱۸

(ملاک مطلق عین بودن)

۱۹

۲۰ (مستأ) : از نبود ملاک به اثر آیه و نقل یا ترک دعوت نه

لا اعتقادی : ملاک در جعل آن عدم ملاک است

(جعل مباح از جهت ~~فصل~~ که انسان را به سوی اجزاء اثر عمل بخواند

باید آنگاه حالش بجز تاج باریک روان خیال

خالی است

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

اعتصای : وعود ملائی کہ مطلق عنان است
بودن مطلق

الف) ابام اعم : اطلاق عنان با

مستحب یا مکروه بودن عمل سازگاری دارد

ب) ابام احض : اطلاق عنان به گونه ای که

عمل مباح یا مستحب و یا مکروه نیز باشد

لا اعتصای : عقل مباح از حرمتی که انسان را به سوی اجابا

ترک فعل مجزانه خالی است

الف) ابام اعم : از مصلحت شکیبه و معسره شکیبه خالی است

چم معسره یا مصلحت شکیبه دامن یا شویانه

ب) ابام احض : از هرگونه مصلحت یا معسره ای خالی است

تعداد میں احکام کی ہیں :

اجتماع دو حکم درستی و واحد محل است

دلیل ۱۔ میں مبارکی ثانی برقرار است ۵ نماز / وجوب یا غیر وجوب / حرمت

ہم وجوب ہم حرمت بہ لحاظ مبارکی چون مکان دھندہ کی ملاک و اعتبار ہے

اما بہ لحاظ اعتبار ثانی برقرار نیست ۵ آسمان سفیر - آبی - قہر منہ دہی

براہین ملاک و ارادہ ای باسد پس ۵ اعتبار حرمت کہ جی خواہد باسد قدرتی منہ دہی

مثلاً (۲) در یک فعل اجتماع دو حکم ہم محل است

دلیل ۱۔ اجتماع مثلیں ہی سود ۵ نماز / وجوب / وجوب / سفیری / سفیری

موسیٰ نسبت بہ یک فعل یا ارادہ دارد یا ندارد معنی سود و ارادہ کی مثل

ہم داشتہ باسد دہی دیگر ارادہ ندارد اما سورت و صفت ہی سود

می باقی بدہ تاست و خوشدل بیاران بر فغانم عربانی

برای هر واقعه ای حکمی است
 شایع نیست به هر مصلح و معاصی که دارد و
 نفی ايجاب می کند در امور شرعی احکام مناسب با آن را تشریح کند

واقعی : در موضوعات شرعی اخذ شده

عاز واجب است

و صواب نماز به ما هو هو عقول گرفته است.

حکم
شرعی

ظاهری : در موضوعات شرعی خزن شده

استعمال دخانیات با هو مشهور حکم مباح است

موضوع مجرب استعمال دخانیات نیست بلکه در خود موضوع شرعی اخذ شده

اصالة اهل :

لک شئی و لک حلال قبی قلم اند هر

حکم به حلیت کار مانی به علم به حرمت خواسته با شتم

چو حاجب نشینی و باده بیایی
 بیداد و ارجمندان با دینارا

۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

آنر بہ حرمتِ حقین پیداکردیم

حکم واقعی همان حرمت است

اصول عملیہ ہم حکم ظاہری هستند

اصل برائت - احیاء - استصحاب - در صورت شک در حکم واقعی جاری

قدرت مبر حق و عمل بر آن

سایر نفقه آنیم، انچه عاقل و غیر عاقل و هر چند در محقق حقین نزاری بپذیرد

صلوات آن عمل کن

روز سلامتی

جمعه

۲۰

قدرت ساری به قدرت اماران :

ظهور الفاظ

در همه مسائل حکم ظاہری محل جحیت است

بر اساس همه اینها :

رسمی امکا ظاہری مؤمنان واقعی است چون

(به دفع صورت)

در موضوع امکا ظاہری شک در حکم واقعی اخذ شده و اثر امکا
خداوندی به جای زندگان کرد خداوند از آتش نگذار

۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۲۰ - روز ملی فناوری هسته ای - روز هنر انقلاب اسلامی (سالروز شهادت سید مرتضی آوینی - ۱۳۲۲ ش.ه)

واقعی نبود اصل امکا ظاہری حاجی خداست

امارات و اصول

آن دلیل
۱

حکم ظاهری - اماره : کاسبت آن مآملات برای جعل جبهه است

(بر اساس کشف و دلیل ظنی معنی است)

(بر اساس کاسبت یک دید ظنی از واقع است)

حکم ظاهری به موجب تقریر خبر مقدم :

زیر مدرسم است
کشف ظنی حاصل می شود

اما کاسبت مآملات و جبهه فحاج به اعتبار از طرف سارع است

و چون غالباً مطابق واقع است و سارع اهمیت با احکام واقعی دارد

آن را حجت قرار داده به این دلیل ظنی - حجت ظنی آورده

مستتر ظنی آورده

(سارع برای اماره حجت ارجح کرده)

غیر محرز

اصول عملی

خبر یا خبری
در غم خون شد از نایدن دوست
الاتصال بایم الفراق

— اصول عملیه : در موارد تردید حکم سی در نوع مختلف از

احکام است و شارع یکی از این دو را به عنوان اصل عملی اعتبار می کند

و همین اعتبار یعنی اصل حجیه برای اصل عملی

(اصول عملیه غیر حجیه)
~~در صورتی که شارع حکم را به گونه ای صادر کند که~~

اصفا حکم ظاهری هیچ کاسفیتی از واقع ندارد (ملاحظه کاسفیت هیچ

کاسفی نشده)

در اعتبار حکم ظاهری کاسفیت دلی اعتبار نشده

۱۱ اعمال اصل

ما حکم واقعی را نمی دانیم و تردید بین دو حکم حرمت و

۱۵ اما نه داریم و حکم شارع به اما نه کسف صحتی از حلیت ندارد

۱۷ نمی دانیم سبک کسب بین حلال است یا حرام
۱۸ ← شارع حلال است

دلاویخته شکایت زکارت مکن که با صبح نیم کرد کثا آورد

کثرت و صلاحتی است

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ب کاسف صحتی در جهت حجیه است ولی کاسفیت آن تا آمدن نیست بلکه با رضایت نوع حکم

(اصول علیه تحریر)

ب) کاسفیت آن کاسف تمام ملک نیست

دوشنبه

۲۳

11 Apr 2016

رجب ۱۴۳۷

فروردین

۱ - مقدمه ی خراج :

تعبیه به صحت عملی که بعد از آن خراج مسلم

نماز صحیح است بعد از آنکه خراج مسلم

۲ - صحت نماز مرتبط به وجود کاسف معنی از صحت است و بیانی
تعبیه
۳ - کاسف تمام ملک نیست

۴ - در قاعده ی خراج حکم به تعبیه صحت نماز بعد از خراج جاری می شود و دلیل آن
۵ - احکام این دامنست که ملک غالباً حالت عسبایی و عدم تسلیم دارد و توجیه

۶ - دارد به اعمل خوشت اما ^{کاسفیت} ~~ملک~~ ^{کاسفیت} برای ما کاسفیت از تمام ملک نیست
۷ - چرا که ما نمی توانیم در ابتدا نماز قاعده ی خراج را جاری کنیم پس
۸ - خراج به اقسام حکم به صحت ملک عصبیه ادرست می کند

۹ - در نتیجه : با اعمل عصبیه سراج تعبیه به صحت نماز بعد از خراج جاری

عقل میخواست که آن شعله چراغ افروزد برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد